

همیشه دختر امروز ، مادر فرداست
ز مادرست میسر ، بزرگی پسران

زن نکوی ، نه بانوی خانه تنها بود
طیب بود وپرستار و شحنه و دربان

زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید
فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان

چو بگرویم بکرباس خود ، چه غم داریم
که حلهٔ حلب ارزان شدست یا که گران

از آن حریر که بیگانه بود نساجش
هزار بار برازنده تر بود خلقان

چه حله ایست گرانتز ز حلیت دانش
چه دیبه ایست نکوتر ز دیبهٔ عرفان

هرآن گروه که پیچیده شد بدولکِ خرد
بکار خانهٔ همت ، حریر گشت و کتان

نه بانوست که خود را بزرگ میشمرد
بگوشواره و طوق و بیاره مرجان

چو آب ورننگ فضیلت بچهره نیست چه سود
زرننگ جامهٔ زربفت و زیور رخشان